



مهاجرت و آسیب های اجتماعی و فرهنگی فرا روی آن

محمد عالم احمدزاده / استاد دانشگاه و متخصص ارتقای ظرفیت

مقدمه

فرایند تاثیر گذاري مهاجرت بر افراد از لحظه اي که متولد مي شود و در ارتباط با محرکهاي مختلف قرار مي گيرد از عوامل مختلفی تاثیر مي پذيرد. مهمترين دسته از اين عوامل در کنار عوامل ارثي و ژنتیک عوامل محيطي هستند. عوامل محيطي شامل محيط اقتصادي، محيط جغرافيايي و محيط فرهنگي و ... افراد مي شود. عوامل فرهنگي همواره در مبحث هاي مختلف روانشناختي و بويژه شخصيت، رشد و شکل گيري آن حائز اهميت بوده است. تحقيقات مختلف جامعه شناختي و روانشناختي نشان مي دهد ويژگي هاي فرهنگي یک جامعه تفاوت هاي شخصيتي بارزي را در ميان افراد آن جامعه در مقايسه با ساير جوامع ايجاد مي کند . انسان در اثر تغييرات که بر مبناي فکري و اعتقادي، علمي و فرهنگي، اجتماعي و نيز اقتصادي و سياسي و محيطي مي پذيرد دچار تحولاتي مي گردد. 1 مهاجرت هم در نهايت جامعه پذيري توسط افراد است تغييرات و جابه جايي علاوه بر آثار مثبتی که دارد يك سري آسیب هايي نیز دارد که در اين مقاله سعي خواهد شد تا به برخی از آنها اشاره شود. که عبارتند از:

1- ترك فرهنگ خودي و تمايل به فرهنگ ديگري:

مهاجرت منجر به تعارض فرهنگها و استحاله فرد در فرهنگ مسلط مي شود. همچنين پديده مهاجرت با تغيير پايگاه اجتماعي - اقتصادي افراد موجب تغيير سليقه آنها در مصرف مي گردد. مهاجرت افراد در ابتدا براي انطباق سازي فرهنگي مجبور است فرهنگ غير خودي را پذيرد و از فرهنگ خود فاصله بگيرد. 2 افراد با مهاجرت خویش و برقراري تعاملات انسان با سايرين در فرهنگ پذيري آنان مشارکت مي کنند 3 و يا براي رفع گرفتاري هايي چون: سرخوردگي فرهنگي و تضعيف خرده فرهنگ هاي مهاجرين در بيشتري کشورها از فشار جريان اجتماعي قومدارانه و فرهنگ مدارانه ي چون تعصب، تبعيض و حصر گرایی و ... بهره گرفته مي شده است. 4

2- تبعيض و عدم برخورد مناسب اجتماعي:

مقررات رفاه اجتماعي، امکانات تبليغي مهاجرت، مقررات موثر در مهاجرت، سطح زندگي، ميزان پذيرش اقليتها از عوامل مؤثر در علل اجتماعي مهاجرت به حساب مي آيند. «بي عدالتي، عدم امنيت اجتماعي، کمبود رفاه اجتماعي، نابرابري هاي بسيار در امکانات اجتماعي از جمله رفاهي، صحتي و تفريحي، عدم احترام به قانون و عدم اطمینان نسبت به آینده هم از جمله علل اجتماعي مهاجرتها محسوب مي شود.» 5

3- احساس ناسازگاري و تنش اوليه:

تقابل دو فرهنگ در مهاجرت و پيامدهاي آن و اگر نقل مکان از کشوري به کشور ديگر را مهاجرت بناميم، با توجه به اينکه تنش از تفاوت بر مي خيزد، مي توان دريافت که مهاجرت از دو کشور سنتي به

1 - رک آنتونی گيدنز، جامعه شناسي، ص 299 تا 309

2 - ديويده ام، جامعه و جمعيت، مترجم يعقوب فروتن، ص 173

3 - عالمی محمد عیسی، پیامدهای فرهنگی بازگشت مهاجرين به افغانستان، ص 34

4 - آنتونی گيدنز، جامعه شناسي، ترجمه منوچهر صبوري، ص 169

5 - حسن وقوفی، فرار مغزها بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون، 162.

یکدیگر، مانند مهاجرت از پاکستان و ایران و سوریه به یکدیگر چندان مشکل ساز نیست، چرا که شرایط حاکم بر دو جامعه از بسیاری لحاظ شبیه بوده و در نتیجه فرهنگ این جوامع مشابه اند. به همین ترتیب مهاجرت از کشورهای مدرن مانند کانادا، استرالیا، آمریکا و ... به یکدیگر بحرانی در پی نخواهد داشت، چرا که شرایط حاکم بر این جوامع تقریباً یکسان و در نتیجه فرهنگ آنها به هم شبیه است. در این مرحله و منطقه تنش چندانی به وجود نمی آید و ناسازگاری در مرحله اولیه به دلیل نزدیکی فرهنگی و منطقه ای خاص شان است.

4- احساس تنهایی:

از آن جایی که انسان موجودی اجتماعی است، باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند نه اینکه در تنهایی به سر برد و باید یاد آور شد که تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنتها و انتظارات جامعه و یا نهاد و سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه دربارہ آن قضاوت می کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار نابهنجار و بهنجار است.¹ در کنار مشکلاتی چون فقر در خانواده های مهاجر، پذیرش فرهنگ جدید، زبان و رویارویی با برخی از انواع تبعیض ها در جامعه و مدرسه، آنچه کودکان مهاجر را بیشتر از همه تهدید می کند، حس تنهایی در آنان است.

5- از دست دادن اعتماد به نفس:

افراد در مهاجرت در فضای جدیدی قرار می گیرند. موقعیت اجتماعی فرد تنزل می کند، اوضاع اقتصادی خانواده در حد نازلتری قرار می گیرد. از سویی، نا آشنایی با زبان و فرهنگ کشور میزبان و گاه احساس حقارت و شهروند درجه دوم بودن، همگی می تواند تاثیر مخربی در رابطه والدین و کودکان داشته باشد و تربیت کودکان را تحت الشعاع قرار دهد و آن را به مساله فرعی تبدیل کند و همه اینها وقتی با خشونت والدین همراه می شود، در نهایت به متلاشی شدن روابط آنها با کودکان می انجامد² حاصل نهایی برخوردهای ناشایست و احياناً نادرست با مهاجرین باعث، خرد کردن اراده آنان است. و پیامد استفاده از این شیوه ناهنجار تعلیم و تربیت، تحویل انسان هایی بی اراده، ضعیف و بدون اعتماد به نفس به جامعه است که همواره دچار وابستگی دایم به والدین خود هستند.³

6- بحران خانوادگی:

در مهاجرت، با تعامل با جامعه جدید و در اثر تغییر ارزش و تفاوت آن بحران های خانوادگی دامن گیر جامعه مهاجر می شود. تقابل به بحران های جدی تری در زندگی مهاجر منجر می گردد از آن جمله به وجود آمدن یا شدت گرفتن اختلافات زناشویی، شدت گرفتن اختلافات بین والدین و فرزندان، سست شدن پیوندهای عاطفی بین افراد خانواده و ... بحرانهایی که ناشی از بزرگترین، ارزشمندترین و زیباترین دستاورد غریبان یعنی برسمیت شناخته شدن حقوق انسانها صرف نظر از جنس، سن، نژاد، ملیت و مذهب و وابستگی های قومی و قبیله ایست.

7- شکل گیری اضطراب و ترس بر اثر تفاوت فرهنگی:

تفاوت فرهنگی، مشکل زبان، مشکلات و درگیری های خانوادگی، محیط مدرسه و جامعه دوستان همگی می تواند منشا بروز استرس و مشکلات روانی و رفتاری در کودکان و نوجوانان بعد از مهاجرت باشد، که ممکن است عواقب وخیمی را برای آنها در پی داشته باشد. یکی از پیامدهای اجتماعی مهاجرت ترس است که خود دارای پیامدهای تربیتی فراوان است و یکی دیگر از پیامدهای دیگر مهاجرت اضطراب است که این هم دارای یک سری پیامدهای مثبت و منفی است.

8- گرایش به جرم و جنایت، بی توجهی به مشکلات تربیتی خانواده و ..):

مهاجران به دلیل این که قانون کار در هر کشور اجازه حضور آنان را در مشاغل دارای اعتبار و منزلت نمی دهند ناگزیرند به مشاغل دارای اعتبار و منزلت اجتماعی پایین و کم درآمد روی آورند که این مسئله

1 - هدایت الله ستوده، آسیب شناسی اجتماعی، ص 50.

2 - محمود علوی، تاثیر مهاجرت افاغنه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، 1381

3 - رک: گلن استنهاوس، کلیدهای پرورش اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان، ناهید آزادمنش، ص 8 الی 15

موجب می شود که فرد صاحب چنین شغلی برای جبران هزینه های زندگی و افزایش اعتبار و یا منزلت خویش به شغل های دوم و سوم روی آورده، و نا خواسته از خانه، زن و فرزندان و تربیت آنان غافل شده، موجبات گسست خانواده و انحرافات آنان را فراهم آورد. در يك پژوهش از میان سارقان، بالاترین تراکم مشاغل افراد سارق، مربوط به مشاغل کارگری، رانندگی و دامداری بوده است. عموماً مشاغل افراد سارق، از نوع مشاغل سطح متوسط به پایین جامعه است. این نوع مشاغل عموماً پرزحمت و کم درآمد می باشد¹

9- گسترش بزهکاری ناشی از بیکاری

مهاجران به دلیل عدم آشنایی با مشاغل و حرفه های متفاوت و نیز به دلیل مهاجر بودنشان از مشاغل دارای ارزش محرومند و در بسیاری از کشورها مسئولان سیاسی مشکلات کشور را به گردن مهاجران می اندازند و از اولین اقدامات آنان اخراج مهاجران از کار است و در نتیجه آنان از کار بی کار می شوند. بی کاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید.

10- دامن زدن به بحرانهای اجتماعی:

مهاجرت ها به دلیل تنوع قومی و اختلافات تمدن مشکلات سیاسی پدید می آید. بسیاری از مهاجرت ها به کشورهای دیگر به دلایل ناامنی، عدم توجه سردمداران کشورهای جهان سوم به افراد تحصیل کرده و یا به خاطر تضادهای قومی و مذهبی رخ می دهد. البته این نکته قابل ذکر است که گاهی هم افراد به خاطر عدم امکانات تحصیلی و معیشتی به هجرت می روند.

11- قانون گریزی:

جامعه مهاجر به دلیل احساس بی ریشگی از وجدان اجتماعی کمتری برخوردار است و نسبت به سایر شهروندان اطاعت قانونی کمتر دارند. کارگران مهاجر بخاطر محروم بودن از امتیازات کارگران بومی از یک سو، و متورم کردن عرضه نیروی کار ارزان از سوی دیگر، همواره تضادها و کشمکش هایی را در نیروی کار شهری باعث می شود.